

ارائه الگویی نظری در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای براساس فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر سمیرا حیدری*

دکتر خسرو باقری نوع پرست**

چکیده

هدف از انجام این پژوهش ارائه الگویی نظری در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای براساس فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش کیفی از نوع تحلیلی - استنتاجی است؛ بدین معنا که براساس الگوی استنتاجی فرانکنا از قرار گرفتن اهداف و مبانی در کنار هم اصولی استخراج شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری است. جامعه تحلیلی این پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی در ایران و کلیه منابع موجود در زمینه آموزش حرفه‌ای است، نمونه‌گیری از این جامعه به‌طور هدفمند براساس عناصر برنامه درسی آموزش حرفه‌ای صورت گرفته است. روش تحلیل داده‌ها دسته‌بندی، کدگذاری و تفسیر بوده که به‌طور مستمر و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شده است. یافته‌های حاصله حاکی از این است که اهداف آموزش حرفه‌ای عبارتند از: پاکی، سلامت، قوت جسمانی، دانش کسب مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها و ارتقای روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای. علاوه بر این برخی اصول مستخرج از الگوی نظری در بخش «محتوا» عبارتند از ارتقای درک و فهم در مورد اصول ایمنی در کار و حرفه، ارتباط محتوا با موضوع مورد مطالعه، توأم کردن شواهد و دلایل حاکی از مطابقت علم با عالم واقع در باب علوم زمینه‌ای حرفه‌ها، کاوش در ابعاد تاریخی و اجتماعی حرفه‌ها، ارتباط محتوا با نیازهای حرفه‌ای آینده شاگردان، لحاظ کردن جنبه‌های دانش، مهارت و بالاخره بینش نسبت به کار و حرفه. در بخش «یادگیری» نیز این اصول عبارتند از: ایجاد زمینه‌های فرضیه‌پروری، تعامل یادگیرندگان با یکدیگر و دارا بودن فضل در کمک به همسالان. در بخش «یاددهی» این اصول عبارتند از: پیدایش عمل ماهرانه و تحول در بینش نسبت به حرفه، تذکر مضامین اسلامی در زمینه کار و حرفه، ایجاد زمینه‌های مناسب در حین آموزش

برای پرورش روحیه مشارکت‌پذیری، داشتن دید جامع‌نگر در فرآیند یاددهی، برقراری عدالت تربیتی در حین آموزش حرفه‌ای، تناسب تکلیف در زمینه کار و حرفه با توان و ظرفیت یادگیرندگان؛ و نهایتاً در بخش «ارزشیابی» این اصول عبارتند از: ارتقای احساس مسئولیت شاگردان نسبت به ارزیابی دانش، مهارت و بینش خود نسبت به حرفه‌ها، لحاظ کردن سطوح دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها در امر ارزشیابی، توجه به ظرفیت و توانایی یادگیرندگان در امر ارزشیابی.

کلیدواژه‌ها: آموزش حرفه‌ای، الگوی نظری، برنامه درسی، فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

کار، تلاش انسان جهت حصول به هدفی معین است. از هنگامی که آدمی پا به عرصه هستی گذاشت، برای رفع نیازهای خود نیازمند کوشش و تلاش بود، زیرا مایحتاج زندگی او به صورت آماده و کامل وجود نداشت و او بایستی از راه دخل و تصرف در طبیعت احتیاجات خود را فراهم می‌ساخت، کار از ارکان رشد و توسعه اجتماعی است (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۱؛ توسلی، ۱۳۷۹؛ لاند^۱ و همکاران، ۱۹۷۱).

هریک از مکاتب گوناگون بشری دیدگاه‌های خاصی درباره کار ابراز داشته‌اند. در اندیشه یونانیان باستان از آن‌جا که کار به بردگان اختصاص داشت، فعالیتی پست به حساب می‌آمد. در آثار فلاسفه یونان باستان کار و فعالیت برای زنده ماندن، از وجوه مشترک حیوان و انسان بود ولی آنان شأن انسان را در زندگی سیاسی، معنوی و تفکر می‌دانستند. در قرون وسطی و حاکمیت کلیسا بر اروپا، تشویق به انجام کار برای کسب در آمد وجود داشت و حتی گاه به علت فسادآور بودن بی‌کاری، مردم به کار اخلاقی سفارش می‌شدند. پیدایش دوران رنسانس و شکل‌گیری عقاید جدید درباره انسان، دین و دنیا باعث شد تا تلاش و کار جایگاه و اصالتی خاص یابد (غنی‌نژاد اهری، ۱۳۷۶: ۷۲، به نقل از رضایی، ۱۳۸۷).

کار از منظر اسلام دارای جایگاه ویژه است و آثار مفیدی بر آن مترتب است؛ از آن جمله کسب در آمد حلال، عزت و شخصیت یافتن فرد، رشد عقلانی، کسب آرامش

1. Lund

روحی، سلامت جسم، نشاط روحی، تأمین نیازهای اجتماعی، رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان، گسترش اخلاق اجتماعی و کاهش مفاسد، بخشش گناهان، حفظ و یاری دین فرد، و نیز برخورداری از ثواب و محبت الهی (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۸۵).

در آموزش و پرورش جایگاه کار و حرفه همواره با تغییراتی روبه‌رو بوده است به‌ویژه، بر اثر صنعتی شدن جوامع بشری، حرفه‌ها و تخصص‌هایی گوناگون به وجود آمد و به جای اصل و نسب و طبقه اجتماعی، میزان توانمندی، استعداد، مهارت و لیاقت افراد ملاک اشتغال در مرکز کار و حرفه گردید و تلاش برای تعالی اجتماعی زیاد شد. انتظار از آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و آماده کردن یادگیرندگان برای اشتغال در مشاغل و حرفه‌های گوناگون، منجر به توجه بیشتر به دانش کاربردی و شکل‌گیری آموزش حرفه‌ای در نظام‌های آموزشی شد. از سوی دیگر، نیاز جامعه به نیروهای کارآمد و تسلط در حرفه‌های گوناگون ارتباط بین بازار کار و نهاد آموزش و پرورش را بیش از پیش به هم نزدیک کرد و تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر، به عنوان اهدافی برای نظام‌های آموزش و پرورش در سطح جهان مطرح شد (ویپس^۱، ۲۰۰۸).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزش هر کشور نظام آموزش فنی و حرفه‌ای است و توجه به آن از جمله خط‌مشی‌های اساسی کشورها برای تربیت نیروی انسانی کارآمد، در سطح پیش از دانشگاه به شمار می‌آید (کزامیاس^۲ و روساکیس^۳، ۲۰۰۳). پیچیدگی جامعه صنعتی معاصر، همراه با پیشرفت گسترده علم و فناوری، ارزش آموزش‌های غیررسمی افراد را برای ورود به دنیای کار کاهش داده و آموزش‌های حرفه‌ای رسمی و بازآموزی، زیر نظر سازمان‌های معتبر به امری اساسی تبدیل شده است. در این میان، مدارس و به ویژه مدارس فنی و حرفه‌ای سهم عمده‌ای در آماده کردن افراد برای ورود به دنیای کار به عهده دارند (شریعتمداری، ۱۳۸۴).

ایوان^۴ (۲۰۰۹) معتقد است که باید برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و مطالب درسی آن در قالب برنامه‌های تحصیلی مدارس به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد و زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعداد جوانان شود (به نقل از صدری، ۱۳۸۸: ۸۵). در

1. Whipps
2. Kazamias
3. Roussakis
4. Ivan

بررسی نظام‌های آموزشی کشورهای گوناگون، اگر اوال^۱ (۲۰۰۹) گزارش داد که در ایالات متحده آمریکا، دبیرستان‌های دولتی علاوه بر یادگیری دروس معمول آموزشی، نوعی کسب و کار را نیز برای یادگیری ارائه می‌دهند که به نحوی تأکید بر آموزش‌های حرفه‌ای مبتنی بر مدرسه است. در برخی از کشورها برنامه‌های اولیه آموزش حرفه‌ای، در کنار رشته‌های عمومی دبیرستانی در مدارس به صورت ترکیبی ارائه می‌شوند. این شیوه در برخی از مناطق فرانسه و یا دبیرستان‌های جامع در مناطق خاصی از ژاپن نیز ارائه می‌شود. در سوئد نمونه کاملی از دبیرستان‌های جامع دیده می‌شود. آموزش مهارت‌ها در این دبیرستان‌ها بیشتر به صورت حضور در کلاس‌ها و کارگاه‌های مدرسه است. گاهی هم دوره‌هایی برای کار در مرکز کار و حرفه نظیر شرکت‌ها است. بخش‌هایی از آموزش نیز به صورت آموزش از راه دور است (به نقل از صدری، ۱۳۸۸: ۸۶). پس می‌توان گفت، در نظام‌های آموزش و پرورش سراسر دنیا، این سؤال مطرح است که نظام آموزشی موجود چگونه می‌تواند در دوران تحصیلات مدرسه‌ای، تمهیداتی را برای کار و حرفه آینده یادگیرندگان فراهم نماید؟

در بسیاری از نظام‌های آموزشی، یادگیرندگان براساس نیاز، علاقه و استعدادی که دارند به سوی انتخاب شاخه‌های تحصیلی در دوره متوسطه هدایت می‌شوند. از جمله این شاخه‌ها، شاخه‌های نظری و فنی و حرفه‌ای است (دبیری اصفهانی، ۱۳۷۶: ۶۱). از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، باید از همان دوران تحصیل هدایت و تقسیم‌بندی یادگیرندگان برای رشته تحصیلی و شغل آینده براساس علائق، استعدادها و توانایی‌های آن‌ها و نیازهای اجتماعی صورت گیرد (گال^۲، ترجمه کاردان، ۱۳۸۲). در نظام جمهوری اسلامی ایران، اهداف حرفه‌ای و شغلی، به ویژه در دوره آموزش متوسطه مطرح است؛ یعنی دوره انتقال از آموزش عمومی و غیرتخصصی به آموزش‌های تخصصی در دانشگاه‌ها و انتقال از محیط آموزشی به محیط کار و زندگی. بر این اساس است که شاخه‌های تحصیلی نظری، فنی و حرفه‌ای و کار-دانش در دوره دبیرستان تعبیه شده است. از سویی، برای تشخیص علائق، استعدادها، توانایی و نیازهای اجتماعی یادگیرندگان، دوره راهنمایی تحصیلی که امروزه به دوره تحصیلی «متوسطه اول»

1. Agrawal

2. Gal

معروف است نیز طراحی گردید تا آن‌ها انتخابی مناسب را در مسیر رشته‌های تحصیلی و حرفه داشته باشند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

نظام آموزش و پرورش باید جهت موفقیت در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای الگوی منظم و مدونی را در این زمینه تدوین نماید. مفهوم «الگو» در آموزش و پرورش دارای سطوح مختلفی است. در بالاترین سطح، الگو انتزاعی است و نقش ساماندهی به آموزش و پرورش را دارد. در این حالت، الگو را می‌توان معادل فلسفه تعلیم و تربیت دانست، زیرا تفکر فلسفی در باب ماهیت تعلیم و تربیت، به نحوی سامان‌دهنده همه افکار و فعالیت‌های تربیتی است که در سطوح پایین‌تر مطرح می‌شوند. در سطح میانی و پایین‌تر از سطح فلسفه تعلیم و تربیت، می‌توان الگو را انتزاعی دانست که برای تنظیم برنامه‌های آموزشی و درسی آموزش و پرورش به کار می‌رود. در سطح عملی الگو روابط عملی میان معلم و شاگرد را مطرح می‌کند و به عبارت دیگر، به نحوه سامان‌دهی آموزش و پرورش از ناحیه معلم، یادگیری و تحول در جانب شاگرد مربوط می‌شود (باقری، ۱۳۸۹ب: ۱۰). در تحقیق حاضر دومین سطح ذکر شده از الگو مورد مطالعه قرار گرفته است.

باقری (۱۳۸۷) معتقد است که فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، مبانی و اهداف فلسفی آموزش و پرورش اعم از مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین گردیده و سپس اصولی برای آموزش و پرورش تدوین شده است. باقری (۱۳۸۹ب) فلسفه برنامه درسی را، برای سه درس تاریخ، علوم تجربی و ریاضی به مثابه الگوی نظری در برنامه درسی ارائه نمود؛ بدین معنا که ذیل اهداف واسطی با توجه به مبانی فلسفی و با توجه به محتوا، یاددهی، یادگیری و ارزشیابی اصولی ارائه نمود. در حال حاضر براساس ساختار فلسفی مذکور الگویی برای برنامه درسی آموزش حرفه‌ای صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با توجه به هدفی که دارد از مبانی پژوهش مذکور استفاده کرده تا الگوپردازی در زمینه برنامه درسی آن را توسعه دهد و به یکی از مهم‌ترین ابعاد برنامه درسی که همان آموزش حرفه‌ای است بپردازد.

در جدول ۱ مبانی فلسفی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران براساس پژوهش باقری (۱۳۸۷)، گزارش شده است.

جدول ۱. مبانی فلسفی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مبانی فلسفی	مبانی
مبانی انسان‌شناسی	در هم تنیدگی نفس و بدن - اراده و اختیار انسان - فطرت - محدودیت‌های آدمی - هویت جمعی - عقل
مبانی معرفت‌شناسی	اکتشافی بودن علم - مطابقت علم با واقع - پویایی علم - تناظر علم با نیازهای آدمی - سطوح مختلف علم - قسم یا اقسام حقیقی علم - ابداعی بودن علم - قسم یا اقسام اعتباری علم
مبانی ارزش‌شناسی	ارزش ابزاری طبیعت - رأفت و احسان - آزادی - عدالت - زیبایی - کرامت - اعتباری بودن ارزش‌ها و ناظر بودن آن‌ها به واقعیت - ثبات و تغییر در ارزش‌ها

بررسی مبانی فلسفی از این نظر دارای ضرورت و حائز اهمیت است که فهم واضح ما از آن می‌تواند قضاوت‌هایمان را در مورد برنامه درسی مورد نظر بهبود بخشد. نتیجه آگاهی از چنین ارتباطی، داشتن برنامه درسی خواهد بود که دارای انسجام منطقی و توجیه عقلانی است (یارمحمدیان، ۱۳۹۰). برای آنکه تصمیم‌ها و فعالیت‌های مرتبط با برنامه درسی، آگاهانه، منطقی و عملی باشند، باید براساس اصول، معیارها و ضابطه‌های معتبری استوار باشند. این اصول و معیارها را می‌توان از نتایج و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ها و رشته‌های مختلفی مثل فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت به دست آورد تا اساس و بنیادی عقلانی برای برنامه درسی ایجاد کنند. این زمینه همان مبانی فلسفی برنامه درسی است (ارنشتاین و هانکینز^۱، ۱۹۹۳). پژوهش حاضر به طور ویژه به مبانی فلسفی برنامه درسی و اهداف آموزش حرفه‌ای و اصول مبتنی بر مبانی مذکور برای مؤلفه‌های محتوا، یاددهی و یادگیری و ارزشیابی می‌پردازد و به نوعی بر اهمیت رابطه فلسفه و برنامه درسی استوار است.

سابقه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش ایران به دهه ۱۳۴۰، مربوط می‌شود که تشخیص استعدادها و رغبت‌های فردی یادگیرندگان در رشته‌های نظری، فنی - حرفه‌ای، بر حسب استعداد و مرتبط با احتیاجات کشور صورت می‌گرفت. برای تحقق این هدف درس «شناخت حرفه و فن» در برنامه درسی این دوره وارد و مشاور تحصیلی برای مدارس راهنمایی در نظر گرفته شد و برنامه معرفی مشاغل به اجرا

درآمد. با آنکه هدف همه این برنامه‌ها کمک به هدایت تحصیلی و شغلی یادگیرندگان بود. اما درس حرفه و فن به ارائه معلوماتی راجع به حرفه‌های مختلف محدود گردید و مشاوران تحصیلی نیز تمام تلاش خود را صرف حل مشکلات رفتاری شاگردان نمودند. لذا بر نامه معرفی مشاغل نتوانست همه یادگیرندگان را تحت پوشش قرار دهد و آن‌ها را با مشاغل مختلف جامعه آشنا نماید. عمده‌ترین عاملی که مانع دستیابی به هدف‌های هر یک از برنامه‌های هدایت تحصیلی و شغلی در آن دوره شد، فقر امکانات بود. برای اجرای برنامه‌های مذکور نیروی انسانی واجد تجربه و تحصیل لازم موجود نبود و ابزار و وسایل مورد نیاز هم فراهم نگردید. از این رو جهت موفقیت در این مهم، لازم بود برنامه هدایت تحصیلی و شغلی در چارچوب برنامه‌ریزی‌های توسعه ملی مطرح گردد و ضمن تربیت نیروی انسانی و تدارک ابزار و وسایل هدایت تحصیلی به عنوان یک جریان، سراسر تحصیل فرد را در برگیرد (موسی‌پور، ۱۳۷۷).

باقری (۱۳۸۴) آموزش حرفه‌ای را براساس «نظریه انسان عامل» در اسلام تبیین کرده است. براساس این نظریه حرفه به مثابه عمل تلقی می‌شود و با مهارت‌آموزی تفاوت دارد. مهارت مفهوم‌اش رفتارگرایانه است و نحوه انجام کار را در بر دارد حال آنکه عمل در نظریه اسلامی عاملیت انسان، بر مبادی معرفتی، میلی و ارادی استوار است. بر این اساس، تربیت حرفه‌ای با مهارت‌آموزی یکسان نیست. طبق نظر شورای عالی آموزش و پرورش در تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، برای آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور نیز ساحت‌های شش‌گانه‌ای تدوین شده است که ساحت اقتصادی و حرفه‌ای یکی از این ساحت‌هاست. گاندرسن^۱ (۲۰۰۴) یادآور شد آموزش حرفه‌ای در بستر آموزش و پرورش عمومی موجب موفقیت تحصیلی بیشتر یادگیرندگان بوده است. عزتی و همکاران (۱۳۹۰) یادآور شدند در کشورهای توسعه یافته آمریکا و کانادا دروس فنی و حرفه‌ای از دوره دبستان براساس نیاز به مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر و سواد فناورانه، با هدف توانایی بهره‌مندی از فناوری و ارزیابی اثرات آن آموزش داده می‌شود و سنجش نظری و عملی یادگیرندگان در این دروس نیز به صورت در هم تنیده است. در دو کشور در حال توسعه پاکستان و مراکش این دروس در پایه‌های میانی (۶-۹) براساس نیازهای ملی و قابلیت اجرایی برنامه طرح‌ریزی

1. Gunderson

شده است. این دروس در حوزه اهداف و محتوا برکسب دانش و مهارت‌های فناوری اطلاعات، اقتصاد خانه، کسب و کار و در حوزه روش تدریس بر تدریس فعال متمرکز می‌باشند و ارزشیابی تحصیلی نیز به صورت سنجش نظری و عملی انجام می‌شود. سؤالی که اینک مطرح است این است که الگوی نظری در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای که می‌تواند بابتی را برای بررسی کار و فناوری در نظام جدید دوره متوسطه اول بگشاید چیست؟

روش پژوهش

روش پژوهش کیفی است. در این روش از الگوی بازسازی شده فرانکنا^۱ (۱۹۶۹) استفاده شده است. سابقه بحث از این روش به ارسطو برمی‌گردد. الگوی بازسازی شده فرانکنا دو نوع گزاره را جهت تحلیل مباحث تعلیم و تربیت مطرح می‌کند: گزاره‌های هنجارین، که ماهیت تجویزی دارند و گزاره‌های واقع‌نگر، که بر روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظرند. لازم به ذکر است که از نظر فرانکنا، گزاره‌های هنجاری که دارای ماهیت تجویزی هستند سه گونه‌اند؛ گزاره‌های مربوط به اهداف تربیتی، گزاره‌های مربوط به اصول و گزاره‌های مربوط به روش‌های عملی، که باید در تعلیم و تربیت به کار رود. گزاره‌های واقع‌نگر، دارای ماهیت توصیفی‌اند و به روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظرند. این گزاره‌ها خود بر دو نوع‌اند: گزاره‌های مربوط به آن که برای نایل شدن به اهداف یا برخی از اصول، چه دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی لازم یا مناسب است. فرانکنا در معرفی الگوی خود، شیوه‌ای پس‌رونده^۲ را معرفی می‌کند. اما الگوی وی را نیز به صورت پیش‌رونده^۳ می‌توان مورد استفاده قرار داد. در این شیوه، حرکت از مقدمات به سوی نتایج است.

در الگوی بازسازی شده فرانکنا، از قرار گرفتن اهداف و مبانی در کنار هم اصولی استخراج می‌شود و این استخراج، خود براساس الگوی استنتاجی است. در الگوی بازسازی شده فرانکنا گزاره‌های واقع‌نگر حاوی «است» در کنار گزاره‌های هنجارین که می‌توانند هدف باشند قرار می‌گیرند و در نهایت اصل یا اصول به عنوان نتیجه از آن‌ها

1. Frankena
2. Inferior
3. Transcendent

استنتاج می‌شود. قابل ذکر است که در این پژوهش گزاره‌های واقع‌نگر با اصطلاح مبنا مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (باقری، ۱۳۸۹ ب).

مراد از اصول تربیتی دستورالعمل‌های کلی است که قاعده‌هایی برای فراهم آوردن دگرگونی‌های مطلوب در افراد آدمی به دست می‌دهند (باقری، ۱۳۸۹ ب). برای استنتاج اصول تربیتی باید از اهداف تربیتی و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی، الهیاتی، علمی به منزله مقدمات یک استدلال قیاسی بهره جست که نتیجه آن اصلی از اصول تعلیم و تربیت خواهد بود. نحوه ترکیب این گزاره‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ترکیب اصول از گزاره‌های توصیفی و گزاره‌های هنجارین

اصول	گزاره‌ها (هنجارین)	گزاره‌های (واقع‌نگر)
	+ گزاره‌های هنجارین حاوی «باید»	گزاره‌های توصیفی حاوی «است»

در این پژوهش جامعه تحلیلی، فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (باقری، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ الف، ۱۳۸۹ ب) و نیز ادبیات داخلی و خارجی در زمینه آموزش حرفه‌ای است. از این جامعه تحلیلی، مواردی که مقولات پژوهش، یعنی اصول آموزش حرفه‌ای در حوزه عناصر اصلی برنامه درسی از قبیل محتوا، یادگیری، یاددهی و ارزشیابی، را پوشش داده، به طور هدفمند و عمیق مورد مطالعه قرار گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات فرم فیش‌برداری براساس مقولات پژوهش است که همزمان با فیش‌برداری داده‌های حاصله به طور مستمر مورد تجزیه، تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو بخش مطرح شده است. یک بخش پیرامون اهداف برنامه درسی آموزش حرفه‌ای و بخش دیگر پیرامون ارائه الگوی نظری پیرامون برنامه درسی آموزش حرفه‌ای است که به ترتیب این دو بخش مطرح شده است.

الف. اهداف برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

براساس مبانی فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اهداف برنامه درسی آموزش حرفه‌ای در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. اهداف برنامه درسی آموزش حرفه‌ای (اهداف واسطه‌ای)

اهداف
حفظ پاکی و سلامت و قوت جسمانی در آموزش حرفه‌ای
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها که این بینش آفرینی در دو سطح مطرح است: ۱. بینش آفرینی در سطح عمومی آموزش حرفه‌ای ۲. بینش آفرینی در سطح تخصصی آموزش حرفه‌ای
ارتقای روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای
آمادگی برای کار و حرفه آینده

براساس داده‌های جدول ۳، برگرفته از فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (باقری، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ الف، ۱۳۸۹ ب)، اهداف برنامه درسی آموزش حرفه‌ای در چهار دسته قابل طبقه‌بندی است.

در خصوص هدف پاکی، سلامت و قوت جسمانی می‌توان هدف پاکی، سلامت و قوت جسمانی در آموزش حرفه‌ای را در نظر گرفت. در جوامع امروز، نه تنها در حرفه‌هایی که مستقیماً با کار دستی و بدنی سروکار دارند بلکه در کارهایی نظیر کار اداری و کار با کامپیوتر نیز توصیه به رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی جسمانی شده است.

در خصوص هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها، لازم به ذکر است که هیچگاه نمی‌توان آموزش حرفه‌ای را به مهارت‌آموزی صرف تقلیل داد. مسلم است که در حیطه هر نوع حرفه‌ای می‌توان از انواع دانش‌ها سخن راند. برای مثال در کار با چوب می‌توان از علوم طبیعی، فیزیک و ریاضی سخن به میان آورد و کار با چوب تنها محدود به مهارت‌های مربوط به استفاده از ابزارها و غیره نمی‌شود. در ضمن بینش آفرینی را می‌توان به دو سطح عمومی و تخصصی تقسیم نمود:

بینش آفرینی در سطح عمومی آموزش حرفه‌ای: چنین سطحی به‌طور اختصاصی بینش یادگیرندگان را نسبت به کار و حرفه در بر می‌گیرد.

بینش آفرینی در سطح تخصصی آموزش حرفه‌ای: مسلم است که هر نوع حرفه‌ای در جهان هستی و در زندگی بشر جایگاهی دارد که در آموزش حرفه‌ای باید نسبت به آن بینش آفرینی شود. برای مثال در کار با چوب، یادگیرندگان از چوب به عنوان محصولی از طبیعت در کار خود استفاده می‌کنند. آن‌ها نه تنها باید در مورد نقش محصولات چوبی در زندگی خود بینش پیدا کنند بلکه باید در مورد جایگاه چوب در طبیعت نیز بینش پیدا کنند طوری که در نهایت نسبت به تخریب طبیعت همواره واکنش نشان داده و تلاش کنند در مصرف چوب برای تولید محصولات چوبی راه اعتدال در پیش بگیرند. در خصوص هدف ارتقاء روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای، لازم به ذکر است که کار گروهی و مشارکت‌پذیری در کار و حرفه اهمیت دارد. برای مثال در حرفه آشپزی با تقسیم کار، کار دقیق‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. در خصوص هدف آمادگی برای کار و حرفه آینده، لازم به ذکر است که در دوران دوازده ساله آموزش و پرورش عمومی گرایش به تخصص، کار و حرفه نوعی تخصص‌گرایی زود هنگام است. ولی این دوران می‌تواند زمینه‌ساز برای کار و حرفه آینده باشد (آدلر، ۱۹۸۲). از سویی از آنجا که از دیدگاه اسلام کار و حرفه جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد پس می‌توان گفت که آماده‌سازی شاگردان برای کار و حرفه آینده آنان نقش اساسی دارد. آشنایی با حرفه‌ها و آشنایی با اصول اولیه حرف گوناگون نخستین گام‌هایی است که یادگیرندگان می‌توانند در طی گذراندن درس‌های کار و فناوری بردارند.

ب. ارائه الگوی نظری برای برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

براساس آنچه که در بخش روش پژوهش آمده است، الگوی نظری برنامه درسی آموزش حرفه‌ای مبتنی بر اهداف، مبانی و اصول در چهار حوزه (محتوا، یادگیری، یاددهی و ارزشیابی) برنامه درسی آموزش حرفه‌ای تدوین شده و در جداول ۴، ۵، ۶ و ۷ گزارش شده است.

۱. اهداف، مبنا و اصول «محتوای» برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

اصول مستخرج از اهداف و مبانی برنامه درسی براساس الگوی بازسازی شده فرانکنا در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. اهداف، مبنا، اصول و «محتوا» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

اهداف	مبنا	اصول
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	اکتشافی بودن علم	ارتباط محتوا با موضوع
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	مطابقت علم با واقع	توأم کردن شواهد و دلایل حاکمی از مطابقت علم با عالم واقع در باب علوم زمینه‌ای حرفه‌ها
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	پویایی علم	کاوش در ابعاد تاریخی و اجتماعی حرفه‌ها
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	ارزش ابزاری طبیعت	ارتقای دانش، مهارت و بینش شاگردان در تعامل صحیح با محیط زیست
آمادگی برای کار و حرفه آینده	تناظر علم با نیازهای آدمی	ارتباط محتوا با نیازهای حرفه‌ای آینده شاگردان
کسب بینش نسبت به کار و حرفه	سطوح مختلف علم	لحاظ کردن جنبه‌های دانش، مهارت و بینش نسبت به کار و حرفه
حفظ پاکی، سلامت و قوت جسمانی در آموزش حرفه‌ای	درهم تنیدگی نفس و بدن	ارتقای درک و فهم در مورد اصول ایمنی در کار و حرفه

داده‌های جدول ۴ حاکی از این است که، زمانی که کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه، با مبنای اکتشافی بودن علم در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل ارتباط محتوا با موضوع» استنتاج می‌شود. از این رو زمینه‌هایی باید فراهم شود که هر نوع اطلاعاتی که در مورد دانش، مهارت و بینش به شاگردان ارائه می‌شود مرتبط با جنبه‌های مختلف کار و حرفه مورد نظر باشد.

زمانی که کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه با مبنای مطابقت علم با

واقع در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل توأم کردن شواهد و دلایل با عالم واقع» استنتاج می‌شود. لازم به ذکر است اگر در محتوا فقط به تکرار علم توجه شود، علم‌آموزی رخ نداده است بلکه تنها انتقال اطلاعات اتفاق افتاده است. براساس چنین اصلی در محتوا و در داد و ستد علوم در آموزش حرفه‌ای باید به ارائه شواهد نیز پرداخته شود.

زمانی که کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه با مبنای پویایی علم در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل کاوش در ابعاد تاریخی و اجتماعی حرفه» قابل استنتاج است.

زمانی که کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه با مبنای سطوح مختلف علم در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷: ۱۷۳) «اصل لحاظ کردن دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه» استنتاج می‌شود. پس با توجه به آنکه برای علم سطوحی را می‌توان در نظر گرفت مسلم است باید شاگردان را به کسب بینش لازم نسبت به کار و حرفه فراخواند.

زمانی که آمادگی برای کار و حرفه آینده با مبنای تناظر علم با نیازهای آدمی در کنار هم قرار گیرد (باقری، ۱۳۸۷: ۱۸۲) «اصل ارتباط محتوا با نیازهای حرفه‌ای آینده شاگردان» از آن استنتاج می‌شود. یکی از ویژگی‌های علم پاسخ به نیازهای انسان است. نیاز می‌تواند به مفهوم عام شامل نیازهای کنجکاوانه و حوایج معمول آدمی در نظر گرفته شود. زمانی که کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه با مبنای ارزش ابزاری طبیعت (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۲) در کنار هم قرار گیرند، «اصل ارتقای دانش، مهارت و بینش شاگردان در تعامل صحیح با محیط زیست استنتاج می‌شود».

زمانی که هدف حفظ پاکی و سلامت در آموزش حرفه‌ای و مبنای درهم تنیدگی نفس و بدن در متون اسلامی در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷)، «اصل ارتقای درک و فهم در مورد اصول ایمنی در کار و حرفه» قابل استنتاج است. امروزه شعار «پیشگیری بهتر از درمان» و یا «ایمنی به هنگام کار» از اهمیت زیادی در زندگی بشر برخوردار است که باید ابعاد آن در قالب شناخت و بینش به یادگیرندگان ارائه شود. زیرا در نظر گرفتن نکات پیشگیری و ایمنی به هنگام کار مسلماً نتیجه‌ای مطلوب‌تر برای افراد جامعه از لحاظ فردی و اجتماعی و اقتصادی دارد (باقری، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

۲. اهداف، مبنا و اصول «یاددهی» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

اصول مستخرج از اهداف و مبانی برنامه درسی در بخش یاددهی، براساس الگوی بازسازی شده فرانکنا، در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. اهداف، مبنا و اصول «یاددهی» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

هدف	مبنا	اصول
ارتقای روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای	هویت جمعی	ایجاد زمینه‌های مناسب در حین آموزش برای پرورش روحیه مشارکت‌پذیری در یادگیرندگان
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	عدالت	برقراری عدالت تربیتی در حین آموزش حرفه‌ای
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	زیبایی	اعتدالی ذائقه زیبایی در کار و حرفه
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	کرامت	حفظ و ارتقای کرامت در سیر آموزش حرفه
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	در هم تنیدگی نفس و بدن	پیدایش عمل ماهرانه و تحول در بینش نسبت به حرفه
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	فطرت	تذکر مضامین اسلامی در زمینه کار و حرفه
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	عقل	ایجاد زمینه‌های عقل‌ورزی در کار و حرفه

داده‌های جدول ۵ حاکی از این است که: زمانی که هدف ارتقای روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای با مبنای هویت جمعی در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل پرورش روحیه مشارکت‌پذیری» استنتاج می‌شود. انتظار می‌رود در بستر آموزش حرفه‌ای تلاش شود که یادگیرندگان به کار گروهی انس بگیرند تا هر کدام در کنار هم به خلأهای کار خود پی ببرند و به رفع آن پردازند.

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای عدالت در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل عدالت تربیتی» استنتاج می‌شود. مسلم است که در آموزش حرفه‌ای یادگیرندگان از اقشار مختلف اجتماعی و با علائق و استعداد

گوناگون حضور دارند و معلمان نیز باید دانش، مهارت و بینش حرفه‌ای خود را به‌طور برابر به یادگیرندگان انتقال دهند.

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای زیبایی در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل اعتلای ذائقه زیبایی در کار و حرفه» استنتاج خواهد شد. شکل‌دهی توان ارزشیابی موازین زیبایی‌شناختی در یادگیرندگان اهمیت دارد. ممکن است یک شیء از لحاظ ظاهری در سطح زیبایی کمتری واقع باشد ولی در جهت خیر بتواند استفاده شود. از سویی، در جریان یاددهی معلم باید مراقب باشد تا یادگیرندگان در تشخیص امور زشت از زیبا دچار انحراف نشوند و با فعالیت ذهنی امری زشت را زیبا تلقی نکنند و بالعکس (باقری، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای کرامت در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل ارتقای کرامت در سیر آموزش حرفه‌ای» استنتاج خواهد شد. در امر یاددهی حرفه باید حرمت و کرامت یادگیرندگان حفظ شود و تلاش شود که از لحاظ حرمت، احترام و کرامت بین یادگیرندگان دوره‌های نظری دبیرستان و دوره‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش تفاوتی به‌وجود نیاید (دبیری‌اصفهانی، ۱۳۷۶).

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای درهم تنیدگی نفس و بدن در آموزش حرفه‌ای در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل پیدایش عمل ماهرانه و تحول در بینش نسبت به حرفه» استنتاج می‌شود. بر این اساس معلم نه تنها باید زمینه‌های مساعد را جهت تحکیم مهارت‌ها در یادگیرندگان فراهم آورد بلکه باید تلاش کند تا بینش و فهم لازم نسبت به کار و حرفه مورد نظر در یادگیرنده به وجود آید.

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای فطرت در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل تذکر مضامین اسلامی در زمینه کار و حرفه» استنتاج می‌شود. در تعلیم و تربیت اسلامی بر کار فواید زیادی مترتب است (رضایی، ۱۳۸۷). به این ترتیب، بیدار کردن فطرت یادگیرندگان می‌تواند در دروس کار و حرفه و یا به موازات آن صورت گیرد و معلم در جهت احیای پیوند قدسی می‌تواند فعال باشد. زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای عقل در کنار

هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷: ۱۶۲). «اصل عقل‌ورزی» استنتاج می‌شود. در آموزش حرفه‌ای عقل‌ورزی نباید تنها برای کسب معیشت پرورش یابد بلکه معلم باید تلاش کند که از فعالیت عقلی یادگیرندگان جهت شناخت حقایق جهان نیز استفاده کند و عمل یادگیرندگان را در تمرینات کار و حرفه به شناخت آن‌ها نسبت به جهان معطوف کند. برای مثال در کار با چوب، معلم باید تلاش کند تا علاوه بر آموزش مهارت‌های عملی به یادگیرندگان، دانش‌های زیر بنایی مهارت‌های عملی را نیز به یادگیرندگان بیاموزد.

۳. اهداف، مبنا و اصول «یادگیری» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

اصول مستخرج از اهداف و مبانی برنامه درسی آموزش حرفه‌ای در بخش یادگیری براساس الگوی بازسازی شده فرانکنا در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶. اهداف، مبنا، اصول «یادگیری» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

هدف	مبنا	اصول
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	ابداعی بودن علم	ایجاد زمینه‌های فرضیه پروری در بعد دانشی حرفه‌ها
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	هویت جمعی	ایجاد زمینه‌های مناسب برای تعامل یادگیرندگان با یکدیگر
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	رأفت و احسان	دارا بودن فضل در امر کمک به همکلاسان

داده‌های جدول ۶ حاکی از این است که زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها، با مبنای ابداعی بودن علم در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷)، «اصل فرضیه‌پروری در بعد دانش حرفه‌ای» استنتاج می‌شود. از این رو لازم است برای آموزش‌های نظری کلاس‌هایی متناسب با درس ترتیب داده شود و برای آموزش‌های عملی از محیط‌هایی از قبیل آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و محیط کار واقعی استفاده شود.

کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها، زمانی که با مبنای هویت جمعی در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷)، از آن «اصل ایجاد زمینه‌های مناسب برای تعامل یادگیرندگان با یکدیگر» استنتاج می‌شود. انسان موجودیتی دو بعدی دارد. بعد فردی او را از مستحیل شدن در جمع مانع می‌شود و بعد اجتماعی او را در جریان پیوند و داد

و سستد و هم هویتی با دیگران قرار می‌دهد و در جریان این داد و سستد نیز اراده از وی سلب نمی‌شود (باقری، ۱۳۸۷، ۱۵۸)

نهایتاً زمانی که کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه با مبنای رأفت و احسان، در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل دارا بودن فضل در امر کمک به همکلاسان» استنتاج می‌شود. رأفت و احسان نقش مهمی در استواری بنیاد جامعه و روابط اجتماعی دارد.

۴. اهداف، مبنا و اصول «ارزشیابی» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

اصول مستخرج از اهداف و مبانی برنامه درسی در بخش ارزشیابی، براساس الگوی بازسازی شده فرانکنا، در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۷. اهداف، مبنا، اصول «ارزشیابی» در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای

هدف	مبنا	اصول
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	اراده و اختیار انسان	ارتقای احساس مسئولیت شاگردان نسبت به ارزیابی دانش، مهارت و بینش خود نسبت به حرفه‌ها
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	سطوح مختلف علم	لحاظ کردن سطوح دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها در امر ارزشیابی
کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها	محدودیت‌های آدمی	توجه به ظرفیت و توانایی یادگیرندگان در امر ارزشیابی

داده‌های حاصل از جدول ۷ حاکی از این است که: زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای اراده و اختیار (باقری، ۱۳۸۷) در کنار هم قرار گیرند «اصل ارتقای احساس مسئولیت در شاگردان نسبت به حرفه» استنتاج می‌شود. در این اصل یادگیرنده موظف است اهداف فعالیت‌ها و اعمال خود را در سیر آموزش و همین‌طور راه‌ها و وسایلی را که در این مسیر در اختیار او قرار گرفته است به خوبی شناسایی کند و در زمینه معیارهای داوری کار خود با معلم تعامل برقرار نماید. به این ترتیب، همواره یادگیرنده زمینه کافی را در دسترس دارد که بتواند کارهای خود را مورد ارزیابی قرار دهد. در واقع یادگیرنده از همان دوره آموزش حرفه‌ای عادت می‌کند که

مسئولیت کار خود را بپذیرد.

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای سطوح مختلف علم در کنار هم قرار گیرند (باقری، ۱۳۸۷) «اصل لحاظ کردن سطوح دانش، مهارت در امر ارزشیابی» استنتاج می‌شود. آموزش حرفه‌ای تلفیقی از دانش، بینش و مهارت است و یادگیرندگان باید در هر سه بعد تسلط یابند. در واقع، ارزشیابی باید متناسب با محتوا و فرآیند یاددهی - یادگیری باشد. چون در محتوا و فرآیند یاددهی - یادگیری به سطوح مختلف علم توجه شده است (وینچ^۱، ۲۰۱۰).

زمانی که هدف کسب دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها با مبنای محدودیت آدمی در کنار هم قرار گیرد (باقری، ۱۳۸۷) «اصل توجه به ظرفیت و توانایی یادگیرندگان در امر ارزشیابی» نتیجه می‌شود. آنچه مسلم است در آموزش حرفه‌ای هر یک از یادگیرندگان دارای ظرفیت و توانایی خاص خود هستند (بک^۲، ۱۹۹۰ الف). پس باید توجه داشت که یادگیرندگان در هر مرحله از زندگی دارای محدودیت‌هایی بالقوه و بالفعل هستند و در ارزشیابی باید به این گونه محدودیت‌ها توجه داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش ارائه الگوی نظری در زمینه برنامه درسی آموزش حرفه‌ای است. یافته‌های حاصل حاکی از این است که، «اهداف برنامه درسی آموزش حرفه‌ای» عبارت است از پاکی، سلامت و قوت جسمانی، دانش کسب مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها و ارتقای روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای. اهداف فوق حاکی از این است که هیچگاه نمی‌توان آموزش حرفه‌ای را به مهارت‌آموزی صرف تقلیل داد. کار گروهی و مشارکت‌پذیری در کار و حرفه اهمیت دارد. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران همچون آدلر (۱۹۸۲) در دوران دوازده ساله آموزش و پرورش عمومی گرایش به تخصص، کار و حرفه نوعی تخصص‌گرایی زود هنگام است. ولی این دوران می‌تواند زمینه‌ساز برای کار و حرفه آینده باشد. از سویی از آنجا که از دیدگاه اسلام کار و حرفه جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد پس می‌توان گفت که آماده‌سازی امروز

1. Winch

2. Beck

شاگردان در کار و حرفه آینده آنان نقش اساسی دارد. آشنایی با حرفه‌ها و آشنایی با اصول اولیه حرف گوناگون از نخستین گام‌هایی است که یادگیرندگان می‌توانند در طی گذراندن درس‌های کار و فناوری بردارند.

دیگر یافته این پژوهش مربوط به استخراج اصول عناصر برنامه درسی آموزش حرفه‌ای از جمله محتوا، یاددهی، یادگیری و ارزشیابی است. یافته‌ها حاکی از این است که اصول استنتاج شده در حوزه عنصر «محتوا برنامه درسی آموزش حرفه‌ای»، ارتقای درک و فهم در مورد اصول ایمنی در کار و حرفه، توأم کردن شواهد و دلایل حاکی از مطابقت علم با عالم واقع در باب علوم زمینه‌ای حرفه‌ها، کاوش در ابعاد تاریخی و اجتماعی حرفه‌ها، ارتقای دانش، مهارت و بینش شاگردان در تعامل صحیح با محیط زیست، ارتباط محتوا با نیازهای حرفه‌ای آینده شاگردان، لحاظ کردن جنبه‌های دانش، مهارت و بینش نسبت به کار و حرفه می‌باشد. براساس اصول استنتاج شده، محتوا باید چنان انتخاب شود که برای یادگیرندگان ملموس و متناسب با تجربیات آن‌ها در زندگی‌شان باشد. طبق نظریات صاحب‌نظرانی همچون آزوبل^۱ (۱۹۶۸) و نلر (ترجمه بازرگان، ۱۳۹۰) پیوند محتوا با تجربیات قبلی و مطابقت با واقع در فهم بهتر و عمیق‌تر مطالب در یادگیرندگان کمک می‌کند و یادگیری معنادار می‌شود. از نکاتی که باید در آموزش حرفه‌ای در نظر گرفته شود آن است که تلاش شود زمینه تاریخی و اجتماعی نوآوری‌ها و اختراعات در کار و حرفه پیشکسوتان در محتوای آموزشی گنجانده شود (باقری، ۱۳۸۷). آموزش حرفه‌ای علاوه بر آنکه می‌تواند در تحکیم فهم دروس نظری به یادگیرندگان کمک کند، می‌تواند زمینه‌ساز آمادگی در زمینه کار و حرفه یادگیرندگان نیز باشد. براساس مبنای ارزش ابزاری طبیعت در آموزش حرفه‌ای در کنار آموختن مهارت‌ها باید به جایگاه طبیعت، نحوه درست تسخیر آن و پیشگیری از تخریب توجه کرد (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۲). از نکاتی که باید در آموزش حرفه‌ای در نظر گرفته شود آن است که تلاش شود زمینه تاریخی و اجتماعی نوآوری‌ها و اختراعات در کار و حرفه پیشکسوتان در محتوای آموزشی گنجانده شود. ساخت فیلم‌های آموزشی در این زمینه و کتاب‌هایی در قالب سرگذشت افراد مخترع و یا تبیین سیر تاریخی و اجتماعی حرفه‌ها می‌تواند بیانگر این باشد که حرفه‌ها تا رسیدن به اشکال امروزی خود سیر تاریخی و

1. Ausubel

اجتماعی پر فراز و نشیبی را طی کرده‌اند و به بیانی به صورت دفعی و ناگهانی در جوامع بشری به وجود نیامده‌اند.

دیگر یافته این پژوهش مربوط به اصول استنتاج شده در زمینه عنصر «یاددهی برنامه درسی آموزش حرفه‌ای» است که عبارتند از: پیدایش عمل ماهرانه و تحول در بینش نسبت به حرفه، تذکر مضامین اسلامی در زمینه کار و حرفه، ایجاد زمینه‌های مناسب در حین آموزش برای پرورش روحیه مشارکت‌پذیری در یادگیرندگان، برقراری عدالت تربیتی در حین آموزش حرفه‌ای، تناسب تکلیف در زمینه کار و حرفه با توان و ظرفیت یادگیرندگان، اعتدالی ذائقه زیبایی در کار و حرفه، حفظ و بالاخره ارتقای کرامت در سیر آموزش حرفه. براساس اصول مستخرج در این بخش (یاددهی) معلمان نه تنها باید زمینه‌های مساعد را جهت آموزش مهارت‌ها فراهم آورند بلکه باید تلاش کنند تا بینش و فهم نسبت به کار و حرفه مورد نظر در یادگیرندگان به وجود آید (باقری، ۱۳۸۷: ۱۶۲). در آموزش حرفه‌ای معلم باید تلاش کند که از فعالیت عقلی یادگیرندگان جهت شناخت حقایق جهان استفاده کند و عمل یادگیرندگان را در تمرینات کار و حرفه به شناخت آن‌ها نسبت به جهان معطوف نماید. علاوه بر این زمینه‌های مناسب برای مشارکت‌پذیری آنان را در فرآیند آموزش حرفه‌ای فراهم نماید تا هر کدام در کنار هم بتوانند خلأهای کار خود برطرف کنند. بنابر این تعامل، مشارکت و همین‌طور رعایت ظرفیت در امر یادگیری می‌تواند در به ثمر رساندن اهداف آموزش حرفه‌ای مؤثر واقع شود.

دیگر یافته این پژوهش مربوط به اصول استنتاج شده در زمینه عنصر «یادگیری برنامه درسی آموزش حرفه‌ای» است. این اصول عبارتند از درک روابط اصول ایمنی در کار با موقعیت‌های موجود در حین کار و حرفه، ارتباط دانش، مهارت و بینش با امر مطالعه در زمینه کار و حرفه، ایجاد زمینه‌های فرضیه‌پروری در بعد دانشی حرفه‌ها، ایجاد زمینه‌های مناسب برای تعامل یادگیرندگان با یکدیگر. از این رو می‌توان توصیه کرد که باید از روش‌های به کار رفته در علوم تجربی برای آموزش دانش‌های زمینه‌ای در آموزش حرفه‌ای استفاده کرد. این یافته همسو با یافته بیلِت^۱ (۲۰۱۱) است که اعتقاد داشت براساس مبنای ابداعی بودن بخشی از آموزش حرفه‌ای، انتظار می‌رود که معلمان

به تجربیات قبلی یادگیرندگان توجه کنند و در بازسازی تجربیات آنان تلاش ورزند. به گونه‌ای که یادگیرندگان بتوانند در یادگیری مهارت‌ها از خودمحموری بیرون آمده و به نوعی به دنیای دیگران وارد شوند و بر دانش، مهارت و بینش‌های خود بیافزایند.

بر طبق تحقیقات هرست^۱ (۱۹۷۴) تکنولوژی و فناوری مجموعه‌ای در هم تنیده از اشکال دانش است. از آنجا که بخشی از یادگیری یادگیرندگان توسط مشاهده و تقلید از مهارت‌های حرفه‌ای معلم صورت می‌گیرد، معلم باید در حین آموزش شرایطی را فراهم آورد که یادگیرندگان پس از تسلط نسبی روی کار و حرفه، خودشان به طور مستقل به کار و حرفه بپردازند (وینچ، ۲۰۰۰). در این زمینه می‌توان به اجرای دوره‌های کارورزی در آموزش حرفه‌ای اشاره کرد (بک، ۱۹۹۰). ممکن است در حین آموزش حرفه‌ای برخی یادگیرندگان تلاش بیشتری از خود نشان دهند و معلم زمینه‌های بیشتری از آموزش را در اختیار آن‌ها بگذارد در این صورت این نابرابری با عدالت تناقض ندارد. توصیه می‌شود که معلمان درس کار و فناوری تمرین‌هایی را برای یادگیرندگان سخت‌کوش و علاقه‌مندتر مهیا کنند تا پاسخی به تلاش مضاعف آن‌ها باشد.

براساس اصل کرامت، با توجه به آن که یادگیرندگان دارای توانایی‌های متفاوتی هستند و از سویی معلمان نیز از زمینه‌های تحصیلی و حرفه‌ای گوناگونی برخوردارند، یادگیرندگان باید در یادگیری کار و حرفه تشویق شوند که به کمک هم بپردازند. باید در نظر داشت که یادگیرندگان براساس علاقه و استعداد تحصیلی خود به رشته‌های متنوع در مقطع متوسطه گرایش پیدا کرده‌اند و از لحاظ کرامت انسانی با هم تفاوتی ندارند. در پایه اول متوسطه نیز در درس کار و فناوری باید تلاش کرد که در دروس مختلف مانند کار با چوب و خوراک و دوخت و غیره کرامت و حرمت کسانی را که در این حرفه‌ها مشغول کار هستند نگه‌داشت. در معرفی مشاغل، هنگامی که از استادکاران این مشاغل در مدارس دعوت می‌شود باید با حفظ حرمت و کرامت آن‌ها، به‌طور مناسب با ایشان برخورد شود.

دیگر یافته این پژوهش مربوط به استنتاج اصول در زمینه عنصر «ارزشیابی برنامه درسی آموزش حرفه‌ای» است. این اصول عبارتند از: ارتقای احساس مسئولیت شاگردان نسبت به ارزیابی دانش، مهارت و بینش خود نسبت به حرفه‌ها، لحاظ کردن سطوح

1. Hirst

دانش، مهارت و بینش نسبت به حرفه‌ها در امر ارزشیابی، توجه به ظرفیت و توانایی یادگیرندگان در امر ارزشیابی. براساس یافته‌های حاصل در زمینه ارزشیابی، ارزشیابی را نباید محدود به سطح دانشی در یادگیرندگان نمود، بلکه باید در سطح مهارتی و بینشی نیز آن را انجام داد. براساس مبنای سطوح مختلف علم، در آموزش حرفه‌ای به کارگیری اشکال گوناگون ارزشیابی اهمیت دارد زیرا حرفه‌ها جنبه‌های گوناگونی دارند (وینچ، ۲۰۱۰). پس برای ارزشیابی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیاز است که تا حد ممکن از روش‌های متفاوت بهره‌برداری شود (وایت، ۱۹۹۷) برای مثال هنگامی که می‌خواهیم علم پایه یا مبنایی را که در حرفه به کار رفته است، مانند ریاضی و فیزیک، ارزشیابی کنیم می‌توانیم از امتحانات تشریحی بهره بگیریم و زمانی که مهارت و فن مد نظر است کار عملی یادگیرندگان اهمیت دارد؛ و یا آنکه اگر اطلاعات عمومی در زمینه کار و حرفه مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد نیاز است که از امتحانات تستی یا تشریحی بهره گرفته شود. بر این اساس می‌توان گفت که ارزشیابی نیز باید به موازات فراگیری یادگیرندگان یعنی به صورت مستمر و تدریجی، صورت پذیرد. ارزشیابی مستمر و تدریجی این فایده را در بر دارد که مربی حرفه در طول جریان تحصیل یادگیرندگان می‌تواند بازخوردهای خود را نسبت به چگونگی یادگیری یادگیرندگان ارائه دهد و یادگیرندگان نیز در جهت رفع خلأ کار خود کوشش به عمل آورند.

به نظر می‌رسد که به دست آوردن الگوی نظری در برنامه درسی تمامی دروس بتواند برنامه‌ریزان و مربیان را به عملکرد بهتر در حوزه تدوین محتوا، رویکرد یاددهی - یادگیری و ارزشیابی سوق دهد. لذا پیشنهاد می‌شود در آموزش حرفه‌ای، معلمان و برنامه‌ریزان علاوه بر بُعد دانشی و مهارتی به بُعد بینشی کار و حرفه نیز بپردازند. از محدودیت‌های این پژوهش این است که ارائه الگوی نظری در این پژوهش تنها معطوف به برنامه درسی آموزش حرفه‌ای است و سایر ابعاد آموزش در این الگوی نظری مورد توجه قرار نگرفته‌اند. از این رو این الگوی نظری از قابلیت تعمیم به سایر دروس برخوردار نیست.

- باقری، خسرو. (۱۳۸۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. جلد دوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- _____ (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. جلد اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۹الف). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۹ب). *الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات مدرسه.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران: انتشارات سمت.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیات*. چاپ هشتم و چهارم. قم: نشر اسراء.
- دبیری اصفهانی، عذرا. (۱۳۷۶). *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- رضایی، مجید. (۱۳۸۷). *کار و دین*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شورای عالی وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات شورای عالی وزارت آموزش و پرورش.
- صدری، عباس. (۱۳۸۸). *طراحی الگوی برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عام برای دوره متوسطه*. فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی، ۴ (۱۳-۱۴)، ۸۲-۱۰۴.
- عزتی، محمدرضا؛ امام جمعه، سیدمحمدرضا و احمدي، غلامعلي. (۱۳۹۰). *مقایسه برنامه درسی آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی تحصیلی در ایران با دروس مشابه در چهار کشور دیگر (آمریکا، کانادا، پاکستان و مراکش)*. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۰ (۳۸)، ۶۷-۹۲.
- گال، رنه. (۱۳۸۲). *اصول راهنمایی در آموزش و پرورش و طرح لائتوزن و والون*. (ترجمه علی محمد کاردان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۷۷). *ارزشیابی از سیستم آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی در برآورد نیاز هدایت تحصیلی و شغلی فراگیران ۱۳۷۴-۱۳۴۴*. نشریه ادب و زبان فارسی، ۸ (۸)، ۱۲۲-۱۴۴.
- نر، جی. اف. (۱۳۹۰). *آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش*. (ترجمه فریدون بازگان دیلمقانی). تهران: انتشارات سمت.
- یار محمدیان، محمد حسین. (۱۳۹۰). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات یادواره کتاب.

- Adler, M. J. (1982). *The Paideia proposal: An educational manifesto*. New York: Macmillan Publishing Company.
- Ausubel, D.P. (1968). *Educational psychology: A cognitive view*. New York: Holt, Rienhart and Winston.
- Beck, R. H. (1990a). *Polytechnical education: A step*. Berkeley: National Center for Research in Vocational Education, University of California.
- _____ (1990b). *General education: Vocational and academic collaboration*. National Center for Research in Vocational Education, Berkeley, CA.
- Billet, S. (2011). *Vocational education: Purposes, traditions and prospects*. New York: Springer.
- Frankena, W. (1969). *Toward a philosophy of the philosophy of education*. In C. J. Lucas (Ed.), *What is philosophy of education?* (pp. 286-291). Toronto: The Macmillan Company.
- Gunderson, M.M. (2004). *A study of the influence vocational education has on students' ultimate academic success*. PhD dissertation. University of Florida.
- Hirst, P. (1974). *Knowledge and the curriculum: A Collection of Philosophical Papers*. (2nd ed.). London: Routledge and Kegan Paul.
- Kazamias, A. M., & Roussakis, Y. (2003). *Crisis and reform in Greek education*. *Journal of European Education*, 35(3), 7-30.

- Lund, E., Pihl, M. & Slok, J. (1971). *A history of European ideas*. London: C. Hurst and Company.
- Ornstein, A.C., & Hunkins, F. P. (1993). *Curriculum: Foundations, principles, and theory*. Pearson Education Canada.
- Whipps, J. (2008). Learn to earn: A pragmatist response to contemporary dialogues about industrial education. *The Journal of Speculative Philosophy*, 22(1), 59-67.
- White, J. (1997). *Education and the end of work*. London: Kogan Page.
- Winch, C. (2000). *Education, work, social capital*. London: Routledge.
- _____ (2010). *Dimensions of expertise: A conceptual exploration of vocational knowledge*. London: Continuum International Publishing Group.